

الله و آفریدن آدم دروغهای با بن مایه آله دال فک

همانگونه که در باره ادعای آفرینش جهان هستی از سوی الله از آغاز کلام الله او بررسی را آغاز کردم که پوچ بودن ادعایش به آگاهی رسید، درباره آفریدن آدم هم از نخستین سوره ای که در این باره نوشتاری داشت پژوهش آغاز گردید. آیه های ۳۰ تا ۳۷ سوره دوم (البقره) چنین میگوید.

بیاد آر آنگاه که پروردگار فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه خواهم گماشت. گفتند پروردگار آیا کسانی خواهی گماشت که در زمین فساد کنند و خونها ریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می کنیم.

الله فرمود من چیزی از اسرار خلقت بشری میدانم که شما نمیدانید آیه (۳۱) و خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم داد و آنگاه حقایق اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود اگر شما در دعوی خود صادقید اسماء اینان را بیان کنید آیه (۳۲) فرشتگان عرضه داشتندای الله پاک و منزّه ما نمیدانیم جز آنچه تو خود بما تعلیم فرمودی توئی دانا و حکیم آیه (۳۳)

الله فرمود ای آدم ملائکه را به حقایق این اسماء آگاه ساز چون آنان را آگاه ساخت الله فرمود ای فرشتگان اکنون دانستید که من بر غیب آسمانها و زمین دانا و بر آنچه آشکارا و پنهان دارید آگاهم آیه (۳۴) و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید (۳۵) و گفتیم ای آدم تو با جفت خود در بهشت جایگزین و در آنجا از هر نعمت که بخواهید بی هیچ زحمت و رنج بر خوردار شوید ولی به این درخت (گندم یا سیب) نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود آیه (۳۶)

پس شیطان آدم را به لغزش افکند تا از آن درخت خوردند و بدین عصیان آنان را از آن مقام بیرون آورد پس گفتیم که از بهشت فرود آئید که برخی از شما برخی را دشمنید و شما را در زمین تا روز مرگ قرار و آرامگاه خواهد بود آیه (۳۷)

پس آدم از الله خود کلماتی آموخت که موجب پذیرفتن توبه او گردید زیرا الله مهربان و توبه پذیر است آیه (۳۸)

مهر ورزیده به ژرفی بنگرید. نخستین سخن فرشتگان با الله اینست که میگویند آدم را میافزین ما خود تو را تسبیح و تقدیس میکنیم. این گفته نشان دهنده اینست که آرمان الله از آفریدن آدم همانگونه که در نخستین روز آغاز آفرینش جهان هستی آمده در آیه (۱۱) از سوره چهل و یکم (سجده - فصلت) گفته است (چه به شوق و رغبت و یا به جبر و کراهت) باید مرا تسبیح و تقدیس کنید چیز دیگری جز این نبوده است.

دوم- در حالیکه هنوز سخن از آفرینش آدم در میان الله و فرشتگان بود ناگهان سروکله آدم پیدا شد پیش از آنکه آفریده شده باشد. و الله همه اسماء را هم به او آموخت.

در اینجا نه تنها آفریدن آدم ناروشن است، روشن نیست شیطان و فرشتگان را کی و چگونه آفریده بود؟

سوم- با اینکه کوچکترین سخنی از آفریدن جفت آدم به میان نیامده بود در آیه سی و پنجم همین سوره (بقره) میگوید، و گفتیم ای آدم تو با جفت خود در بهشت جایگزین. آیات این سوره دوگانگی چشمگیری دارد با آیات سوره چهل و یکم (سجده- فصلت) که در آیه های ۹ و ۱۰ و ۱۱- آن چنین میگوید.

ای رسول مشرکان را بگو که شما به الله که زمین را در دو روز بیافرید کافر میشوید؟ آیه ۹ قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز مقدر فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید آیه ۱۰ و آنگاه به خلقت آسمان توجه کامل فرمود آیه (۱۱). چند نفر آفرید و درباره روزی پس از چهار روز آنان چه اندیشید سخنی به میان نیامده است؟

الله برابر اعتراف خود در این نخستین روز آفرینش جهان هستی به هیچ روی سخن از آفریدن آدم و هوا و فرشتگان و داستان شیطان و فرستادن آدم و جفتش به بهشت بمیان نیاورده که سخن از آفریدن زمین و اهل زمین و روزی آنها برای چهار روز است که پس از آن به خلقت آسمانها پرداخته است.

گمان نکنم جای کوچکترین دو دلی برجای باشد که یکی از این دوگفتار الله دروغ است.

چهارم- الهی که در آیه سی ام از سوره دوم (بقره) به فرشتگان میگوید من چیزی از اسرار خلقت بشری میدانم که شما نمیدانید و در آیه سی و سوم از همین سوره میگوید من بر غیب آسمانها و زمین دانا و بر آنچه آشکار و پنهان دارید آگاهم . چگونه آگاه نبود که شیطان در سجده کردن بر آدم گوش به فرمان او نمیدهد؟ پس آنچه راهم که درباره دانائی و آگاهی و غیبگوئی خود گفته است دروغ میباشد.

زمانی که در آیه سی و چهارم از سوره دوم (بقره) میگوید شیطان ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید. آیا کافر بودن از دید الله تنها سر پیچیدن شیطان در برابر سجده نکردن بر آدم نیست؟ آیا گناه دیگری به گردن شیطان نهاده شده که معنی کافر را داشته اشد؟ آیا از این کار شیطان بوی آزادیخواهی و آزاد اندیشی بر نمی آید که او دلیرانه در برابر بزرگترین و تنها نیروی برتر جهان هستی ایستاده دستورش را نادرست دانسته و سر فرود نیاورده است؟ آیا با این رفتار دلاورانه شیطان (اگر شیطانی وجود داشت) نباید پذیرفت که او نخستین آزادیخواه و پایه گذار آزادی در جهان هستی است؟

پنجم - الله در آیه سی و پنجم از سوره دوم (بقره) میگوید (گفتم ای آدم با جفت خود در بهشت جایگزین و در آنجا از هر نعمت که بخواهید بی رنج و زحمت برخوردار شوید . ولی به این درخت گندم یا سیب دست نزنید)

باز این پرسش پیش می آید که ۱- گندم از درخت بدست نمی آید و بذری است کاشتنی ۲- چگونه الله دانا و توانا از یادش رفته که نام کدامین درخت را بر زبان رانده است که در آیه (۱۹) از سوره هفتم (الاعراف) نام درخت انگور و غیره را هم بر این دو درخت افزوده است.

این چند گونه گوئیها بدرستی نشان میدهد که الله چنان بیهوش است که نمیداند در میان سه درخت نام کدامین را گفته است. آیا دروغ نمیگوید؟

ششم- در آیه سی و ششم از سوره دوم (بقره) میگوید (پس شیطان آدم و حواریا به لغزش افکند تا از آن درخت خوردند) که این نیز همان زبان زد (عذر بدتر از گناه) میباشد و نشانه دیگری از نا آگاهی و ناتوانی الله است. زیرا در آن زمان که آدم و جفتش را به بهشت میفرستاد نمیتوانست پیش بینی کند که شیطان هم به بهشت نیست در جهان او راه خواهد یافت تا آدم و جفتش را بفریبد؟

اگر الله میدانست که شیطان خواهد توانست به بهشت برود و آنها را بفریبد و آنها هم فریب شیطان را خواهند خورد و نتوانست از این رویداد جلوگیری کند، چه بن مایه ای بالاتر از این در زبونی و ناتوانی و نا آگاهی الله. الهی که نتوانسته سر رشته تنها سه نفر آفریده اولیه خودش را در دست داشته باشد که چنین دسته گللهائی به آب داده چگونه میتواند مدعی آفرینش جهان هستی و اداره آن باشد؟

آیا این الله لال زبان بسته همان حجر الاسود جا خوش کرده در خانه کعبه نیست که آفریننده آن (محمد) چنین پیام های نابخردانه ای بنام او نوشته و به خورد مردم داده است؟

این همان الهی نیست که محمد نامش را در آیه ۱۱۰- از سوره هفد هم (الاسراء) برون کلام الله برده و خودش را خود خوانده رسول الله نامیده و جهانی را زیر نام این بت سنگ سیاه به خاک و خون و سیا هی و سیه روزی و گمراهی کشانیده است؟

هفتم: سوره سوم (آل عمران) آیه ۵۹ درباره آفریدن آدم چنین آمده است (همانا مثل خلقت عیسی به امر الله خلقت آدم ابوالبشر است که الله او را از خاک بساخت سپس بدان خاک گفت بشری به حد کمال باش. هماندم گردید.

خلقت عیسی بوارون خلقت آدم است. زیرا برابر سوره ها و آیه های چندی که در کلام الله آمده است الله میگوید ما فرج مریم را پاک و پاکیزه نگاه داشتیم و آنگاه که از همه خویشان به کنج تنهائی پنهان گردید در آن نهانگاه روح القدس (روح پاک) ما را به چهره جوانی زیبا به او نمودیم پس مریم به آن پسر بار برداشت. که این کار به هیچروی مانند خلقت آدم نیست که نخست از گل بسازد و سپس بگوید آدمی شو و بشود؟

گفتار الله درباره خلقت عیسی چنان مینماید که روح الله کار عمل تناسلی مردی را بی کم و کاست در رحم مریم انجام داده که به زبان آخوندی (دخول) کرده و هیچگونه کمبودی هم نداشته است که پیامدش پسری چشم آبی بنام مسیح بن مریم یا عیسی روح الله است.

به این آیه های کلام الله نگاه کنید. سوره سوم (آل عمران آیه های ۴۲ تا ۴۸- سوره نوزدهم (مریم) آیه های ۱۶ تا ۳۴ - سوره بیست و یکم (انبیاء) آیه ۹۱ سوره شصت و ششم (التحریم) آیه ۱۱ -

جای بسی شگفتی است که با اعتراف روشن الله برابر آیه های یاد شده در تجاوز به مریم و بوجود آوردن فرزندی بنام مسیح بن مریم که نامش را نیز از پیش در آیه ۴۵ از سوره سوم (آل عمران) به مریم بشارت داده است و پیش از آنهم برابر آیه ۴۴ همین

سوره به رسولش میگوید داستان مریم از اخبار غیب است که بتو وحی کردیم. برابر آیه ۱۷۱ از سوره چهارم (النساء) و آیه ۳۵ از سوره نوزدهم (مریم) الله از پذیرفتن عیسی به فرزندی سرباز زده است. (بیچاره آدم مادر نداشت و اگر داشت الله روحش را در فرج او هم میدمید و بعد انکار میکرد؟)

هشتم: در سوره هفتم (الاعراف) آیه های ۱۱ تا ۲۵ باز داستان آفریدن آدم را بازگو نموده و از همسر آدم بنام (حوا) یاد گردیده که چنین نامی در درون مایه عربی قرآن دیده نمیشود و تنها از جفت آدم نام برده شده که روشن نیست نام (حوا) را چه کسی و در چه زمانی به جفت آدم داده که به درون کلام الله راه یافته است؟

در آیه ۱۸۹ همین سوره که دگرباره داستان آدم و شیطان بازگو گردیده چنین آمده. اوست اللهی که همه ما را از یک تن بیافرید. در این آیه نیز کوچکترین اشاره ای به آفریدن آدم از گل و داستان شیطان و سجده نکردن و فرستادن به بهشت به میان نیامده و تنها چیزی که برداستان افزوده شده اینست که جفت آدم را از خود او آفریده و این جفت باردار گردیده است. ولی روشن نیست این بارداری در کجا انجام شده است؟

داستان آفریدن آدم هم بگونه آفرینش جهان هستی در هر سوره و در هر آیه بگونه ای دیگر از سوره و آیه پیش گفته شده آمده است که هیچیک با دیگری برابری ندارد.

همانگونه که یاد آوری گردید برابر آیه های ۹ و ۱۰ و ۱۱ سوره چهل و یکم (سجده- فصلت) که بگفته کلام الله آغاز آفرینش جهان هستی است. الله میگوید همه قوت و ارزاق چهار روزه اهل زمین را فراهم و تقسیم کردم. اگر ان گفته الله درست باشد که در آغاز کار (اهل زمین را هم آفریده است) دیگر چه نیازی به ساختن آدمک گلی بود تا جفتش را هم از بدن او بسازد و یا رویداد سجده نکردن شیطان پیش آید. آیا این چند گانه گوئیها دروغ نیست؟

دستکاریهای الله در رحم زنان و زشت و زیبا نمودن نوزادان

نهم ۱- الله است که می نگارد صورت شما را در رحم مادران هرگونه اراده کند سوره سوم (ال عمران) آیه ۶

۲- بدانید که ما نخست شما را از خاک آفریدیم، آنگاه از نطفه، آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره گوشت تمام و ناتمام تا در این انتقال و تحولات قدرت خود را بشما آشکار سازیم. و از نطفه آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحم ها قرار دهیم تا به وقتی معین طفلی از رحم بیرون آوریم... سوره بیست و دوم (حج) آیه ۵

۳-... و آنچه زنان بار گیرند و بزاینند جز علم و اراده او نخواهد بود... سوره سی و پنجم (فاطر) آیه ۱۱

۴-... و شما را در باطن رحم مادران در سه تاریکی با تحولات گوناگون بدین خلقت زیبا بیافریدیم... سوره سی و نهم (زمر) آیه ۶

۵- و الله است به هرکه خواهد فرزند اناث و به هرکه خواهد فرزند ذکور دهد یا در یک رحم دو فرزند پسر و دختر قرار میدهد و هر کرا خواهد عقیم گرداند. سوره چهل و دوم (شوری) آیه ۴۹-۵۰

۶- الله به شما بندگان آگاه تر است زیرا او شما را از خاک زمین آفریده و هنگامی که در رحم مادر جنین بودید یادآورید و خود ستائی نکنید که او آفریننده است... سوره پنجاه و سوم (نجم) آیه ۳۲

۷- و الله شما را مانند نباتات از زمین برویاندید سوره هفتاد و یکم (نوح) آیه ۱۷

۸- آیا شما آدمیان را از آب بی قدر بدین زیبایی نساختیم و آن نطفه را به قرارگاه رحم منتقل نساختیم تا مدتی معین و معلوم و ما تقدیر رحم کردیم که نیکو مقدر حکیمی هستیم. سوره هفتاد و هفتم (المرسلات) آیه های ۱۹ تا ۲۳

۹- انسان مغرور در بدو خلقت خود بنگر که از چه آفریده شده است. از آب نطفه جهنده ای خلقت گردید که از میان صلب پدرو سینه مادر بیرون آمده است. سوره هشتاد و ششم (الطارق) آیه های ۵ تا ۷.

اگر به این آیات که کلام الهی نامیده شده درست بیندیشید بسیار ساده در می یابید که در آئین این الله دروغگوی همه کاره هیچکس در هیچ کاری اراده و اختیاری ندارد حتا در بوجود آوردن فرزندان خود.

اللهی که برابر بن مایه های داده شده در کلام الله خود یکبار هم نتوانسته راستی، درستی، دانش و بینش و خردش را به استواری برساند که برابر آیه های ۱۷ و ۱۸ از سوره پانزدهم (الحجر) و آیه های ۶ تا ۸ از سوره سی و هفتم (صافات) از ترس شیطان به آسمانها پناه برده و دورش را نیز آتشبار گذاشته تا در امان باشد؟

اللہی کہ از گردش زمین بدور خود و خورشید نا آگاه است و میگوید تاریکی شب را در پرده زرین روز پنهان میکنم و سپس از هم جدا میکنم تا شب و روز برآیند؟

اللہی کہ درباره آفرینش جهان هستی چنان دروغهای شادخاری گفته کہ به آگاهی رسید؟

اللہی کہ درباره آفریدن آدم این چنین بی پرده دروغ میگوید؟

اللہی کہ پدران و مادران را در آفریدن فرزندان خود موثر نمیداند و میگوید چهره فرزندان شما را در رحم مادران من می پروراند و از نطفه ها آنچه را کہ من اراده کنم در رحم ها جای میدهم. یعنی کار عمل تناسلی مردان را انجام میدهم. باروری زنان جز به دانش او نیست و او میداند کہ در رحم زنان سه تاریکی وجود دارد او به هرکس کہ دلش خواست پسر یا دختر میدهد یا یکبارہ دو فرزند نہ بیشتر و نمیداند کہ برخی از زنان پنج قولو و بیشتر هم زائیده اند. و هرکرا هم بخواهد(عقیم) یعنی نازا بی فرزند میکند؟

یا مانند نباتات از زمین میرویند و اوست کہ ما را از صلب (پشت) پدر ولی از سینه مادر بیرون می آورد با اینکه پیوسته در رحم زنان به گشت و گذار سرگرم است. هنوز در نیافتہ کہ فرزند از رحم مادر بیرون می آید نہ از سینه او؟

حال از این الله همه کاره پرستی دارم: تو که در برابر اینهمه اعترافات انکار ناپذیر دست از جهانداری شسته و در رحم زنان جا خوش کرده ای تا بتوانی نطفه های وارد شده در رحم ها را جابجا کنی و چهره ها را بنگاری تا آفریدگان زیبا و تندرست داشته باشی، چرا بعضی ها را زشت و بعضی را زیبا می آفرینی؟

با زیباییان چه دوستی و با زشتها پیش از زایش چه دشمنی داری؟

چرا بعضی ها را سیاه و بعضی ها را سفید و گروهی را سرخ و زرد می آفرینی؟ گناه سیاهان پیش از زایش چه بود؟ چرا برخی را بلند بالا و برخی را کوتوله می آفرینی؟ چرا به یکی دست و به دیگری پا و به آن دیگر زبان سخن گفتن و چشم برای بینائی و گوش برای شنوائی نمیدهی؟ کدام یک از این ناتوان آفریده ها(معلولین) از تو خواسته بودند کہ آنانرا چنین بیافرینی؟

چرا آن کودکان خرد سال را کہ زیبا هم آفریده ای فلج و گنگ و کر و کور و لال کرده ای؟ اینها کہ هنوز پا به جهان هستی نگذاشته بودند تا از ستایش آمرانه تو سرباز زده باشند. چرا پیش از زایش و دست آزدن به گناهی پیشاپیش کیفر بیدادگرانه و نابجا داده ای؟ اگر بدرستی آگاه بودی کہ پس از زایش از فرمان تو سر پیچی خواهند کرد. تو کہ جابجا کننده همه نطفه ها در رحم مادرها بودی چرا آن نطفه ها را از میان نبردی. با اینکه بگفته خودت توان نازا کردن هم داشتی و داری؟

به من پاسخ بده آیا تو یک بیمار روانی نیستی؟ آیا کارهاییکه انجام داده ای از ویژگی کارهای اهریمن نیست؟ اگر مردان با زنان همخوابه نشوند در درون رحم سرگردان نمی مانی؟

زمانی کہ هیچیک از کارهایی را کہ مدعی انجامش هستی نتوانسته ای درست انجام دهی، باید بپذیری ناتوانی، ناآگاهی، دروغگوئی همانگونه کہ میگوئی شما را بگونه نباتات از زمین میروینم همانگونه کہ میگوئی از سینه مادران زاده میشویم همانگونه کہ درباره آفرینش جهان هستی دروغ گفתי همانگونه کہ درباره داستان شتر صالح دروغ گفתי همانگونه کہ در داستان موسی و فرعون دروغ گفתי وو

کدام سخن راست و درست از دهانت بیرون آمده است جز دروغ، زورگوئی، گردن کلفتی، مکاری، غداری، قهاری، جباری، گردنه بندی، کشت و کشتار و تاراج کہ همه و همه برابر اعترافات است کہ در همین کلام الله آورده ای. اگر با این ویژگی ها تو خدائی. پس اهریمن کیست؟

آیا تو در نقطه برابر اشا خداوند خرد و دانش، داد ودهش، شادی و بهبودی، مهر و دوستی، اندیشه و گفتار و کردار نیک ایرانیان قرار نگرفته ای؟ کہ در آئین او نہ تنها زنان و مردان برابرند کہ همه مردم جهان آزادند تا چگونه ببندیشند و زندگی کنند. نہ عشرتکده ای چون بهشت دروغین تو دارد تا کسی را بفریبید و نہ شگنجه گا هی چون دوزخت دارد کہ کسی را بترساند و نہ خواسته و نیازی دارد تا کسی او را سجده کند.

اگر روزی بدرستی کلام الله ات از سوی پژوهشگران مورد بر رسی قرار گیرد آنگاه نشست رسوائی تو و رسول اللہی کہ تو را در جایگاه خدائی نشانیده است بر سر همه بازارهای جهان به صدا در خواهد آمد و همگان خواهند دریافت کہ همان حجرالاسود هستی کہ بنامت آئینی اهریمنی ساختند و خونهای بیشماری ریختند فر هنگ ها و خانمانهای بسیاری را بر باد دادند.

امیدوارم خورشید دانش و بینش، مهر و دوستی بیش از این در پس ابرها پنهان نماند و خرد بجائی رسد تو را چنانکه هستی بشناسند، در دادگاه وجدان و محاکمه و محکومت کنند و از جایگاه خدای دروغین بزیرت کشند تا جهان و جهانیان از شر تو و این کلام الله و رسول الله و آیت الله هایت یکبار و برای همیشه رهائی یابند. تا تو هستی کوچکترین امیدی بر بهزیوی، نیکبختی، آزادی، شادی و شادمانی در جهان نیست.

در پایان روی سخنم با شما آیت الله ها = (آیت الحجر الاسود های) گمراه گر و دغلباز است. با چنین کلام الهی که درون مایه آن ننگنامه ای بیش نیست، بنام او و بنام الله آمده در او و خود خوانده رسول الله اش ۱۴۰۰ سال است مردم ساده اندیش ایران را فریفته و چنان گمراه و از راه راست بدر برده اید که از خود بیگانه گردیده و تازی پرست شده اند.

تا زود است عمامه ها را بردارید و بگردن بیاورید، نعلینها را از پا بیرون بیاورید با پا های برهنه به در خانه های گمراه نگاهداشتگان خود بروید و پوزش بخواهید و گرنه دیری نخواهد پائید که شما را در تلویزیون ها بنشانند، کلام الله تان را نیز بدست شما بد هند تا با زبان فارسی بخوانید و بگنا هان خود اعتراف کنید. آن زمان برای پوزشخواهی بسیار دیر است چه بسا که عمامه تناب دار شما گردد.

حال ببینیم الله در این باره در تورات چه میگوید ؟

سفر پیدایش : باب اول آیه ۲۷... پس خدا آدم را بصورت خود آفرید او را بصورت خدا آفرید ایشان را نر و ماده آفرید. و در باب دوم سفر پیدایش از آیه ۷ تا ۲۵ به بعد چنین میگوید خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین سرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد. و خداوند باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت و خداوند خدا هر درخت خوشنما و خوشخوراک را از زمین رویانید و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت و نیک و بد را. ونهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند و از آنجا منقسم گشته چهار شعبه شد.

نام نهر اول فیشون است که تمام زمین حویله را که در آنجا طلا بسیار است احاطه میکند نام نهر دوم جیحون که تمام زمین کوش را احاطه میکند. و نام نهر سوم حدقل که بطرف شرقی اشور جاری است و نهر چهارم فرات. پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید.

خداوند خدا آدم را امر فرموده گفت از همه درختان باغ بی ممانعت بخور. اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مرد. و خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم. و خداوند خدا هر حیوان صحرا و هر پرندۀ آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و آنچه آدم هر ذی حیات را خواند همان نام او شد.

پس آدم همه بهائم و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را نام نهاد لیکن برای آدم معاونی موافق وی یافت نشد. و خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت و یکی از دندهایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد. و آدم گفت همانا اینست استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم از این سبب نساء نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد. از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود. و آدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجلت نداشتند.

باب سوم از آیه ۱ تا ۳۴

و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند ساخته بود هوشیارتر بود و به زن گفت آیا حقیقتا خدا گفته است که از همه درختان باغ نخورید. زن به مار گفت از میوه درختان می خوریم. لکن از میوه درختی که وسط باغ است خدا گفت از آن نخورید و آنرا لمس نکنید مبادا بمیرید. مار به زن گفت هر آینه نخواهید مرد. بلکه خدا میداند در روزی که از آن بخورید چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود. و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر خوشنما و درختی دل پذیر و دانش افزا پس از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد.

آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند پس برگهای انجیر بهم دوخته سترها را برای خویشتن ساختند. و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ می خرامید و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند در میان درختان پنهان کردند. و خداوند خدا آدم را ندا داد و گفت کجا هستی. گفت چون آواز تو را در باغ شنیدم ترسان گشتم زیرا که عریانم پس خود را پنهان کردم. گفت که تو را آگاهانید که عریانی آیا از آن درختی که تو را غدغن کردم که از آن نخوری خوردی؟

آدم گفت این زنی که قرین من ساختی وی از میوه درخت به من داده خوردم. پس خداوند خدا بزن گفت این چه کار است که کردی زن گفت مار مرا اغوا نمود که خوردم. پس خداوند خدا به مار گفت چونکه این کار کردی از جمیع بهائم و از همه حیوانات صحرا

ملعون تر هستی بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد. و عداوت در میان تو وزن و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید.

و به زن گفت اَلْم و حمل تو را بسیار افزون گردانم با اَلْم فرزندان خواهی زائید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد. و به آدم گفت چونکه سخن زوجه ات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده گفتم از آن نخوری پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خوار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه های صحرا را خواهی خورد. و به عرق پیشانیت نان خواهی خورد تا حینیکه به خاک راجع گردی که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت.

و آدم زن خود را حوا نام نهاد زیرا که او مادر جمیع زندگان است. و خداوند خدا رختها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید و خداوند خدا گفت همانا انسان مثل یکی از ما شده است که عارف نیک و بد گردیده اینک مبدا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد و تا به ابد زنده ماند. پس خداوند خدا او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمین را که از او گرفته شده بود بکند. پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن گر و بیانرا مسکن داد و شمشیر آتشباری را که بهر سو گردش میکرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند.

گفتار الله یا الله به پوشاک یهوه درآمده. آمده در تورات را شنیدیم و حال دادگرانه به داوری می نشینیم

۱- در سفر پیدایش (باب اول) ۲۸ - میگوید (پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. و ایشان را نر و ماده آفرید) در آیه ۷ از باب دوم میگوید (خداوند خدا پس آدم را از خاک بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد) در آیه های ۲۱ و ۲۲ ... میگوید یکی از دنده های آدم را برگرفت و از آن دنده زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد.

اگر الله روز اول نر و ماده آفریده چه نیازی به ساختن دوباره آدمک گلی داشت؟ اگر روز اول ماده را هم آفریده چه نیازی به خواب کردن آدم و برداشتن دنده ای از او برای ساختن زنی دارد؟ آیا این گفته الله به روشنی دروغ نیست؟

۲- در آیه های ۱۵ تا ۱۷ میگوید پس خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت و گفت از همه درختان باغ بی ممانعت بخور. اما از درخت معرفت نیک و بد نخور که اگر بخوری می میری. نخست پرسش برانگیز است که چرا الله نمیخواست آدم دارای معرفت شود. دوم نشان دهنده اینست که الله نادان و نا آگاه بود که سرانجام روزی آدم از میوه آن درخت را خواهد خورد. بدین ترتیب ادعای الله بر دانش و آگاهی از گذشته و آینده دروغی بیش نیست. سوم اینکه الله به آدم گفت اگر میوه این درخت را بخوری خواهی مرد و میوه آن درخت کشته نبود. پس الله دروغی بزرگ به آدم گفته است؟

۳- باب سوم آیه های ۱ تا ۸ مار که از همه حیوانات هوشیار تر بود زن را فریفت تا میوه آن درخت را بخورد و به همسرش نیز بخوراند که اینهم بن مایه دیگری از نادانی و نا آگاهی الله است که مار روزی چنین دسته گلی به آب خواهد داد؟

۴- آیه های ۱۶ تا ۱۹ در پی سر پیچی زن. الله کيفری برایش مقرر نمود تا درد بارداری و زایمان او زیاد باشد و همواره فرمانبردار همسرش گردد؟ پس برتری مردان بر زنان در اسلام ناب محمدی هم از باغ عدن سر چشمه میگیرد.

به آدم هم گفت چون گوش به سخن زنت داده ای با سبزه های صحرا و عرق پیشانی نان خواهی خورد. پس نپذیرفتن رای زنان در اسلام نیز از همینجا سر چشمه میگیرد؟

۵- برای اینکه مبدا آدم به درخت حیات دست یابد و میوه اش را بخورد تا همیشه زنده بماند. الله با شمشیر آتشباری که از هر سو در گردش است از درخت حیات نگهبانی میکند. و اینهم نمونه دیگری از ناتوانی الله است که چون نمیتواند از دسترسی آدم به درخت حیات پاسداری کند دورش را شمشیر آتشبار گذاشته است. همانگونه که از ترس شیطان بدور خود آتشبار گذاشته است؟

کوتاهی بود از دروغگوئیها، ناتوانیها، نادانی ها و نا آگاهی های الله = (حجر الاسود) خدای مسلمانان در تورات.

و اینهم بخش کوچکی از دروغگوئیهای الله تنها درباره آفریدن آدم در دو کتاب مقدس او (تورات و قرآن)

- ۱- الله در آیه ۳۵- از سوره دوم (بقره) میگوید. به فرشتگان دستور دادیم آدم را سجده کردند و شیطان سرپیچی کرد: ولی در تورات کوچکترین یادی از فرشته و شیطان و سرپیچی به میان نیامده است بنا بر این در این باره الله دروغ گفته است؟
- ۲- در آیه ۳۶ همین سوره میگوید: گفتیم ای آدم با جفت خود در بهشت جایگزین ولی از درخت (گندم یا سیب) را نخور در آیه ۱۹- از سوره هفتم (اعراف) نام درخت انگور هم بر درخت گندم و سیب افزوده گردیده است در حالی که در تورات تنها از درخت (معرفت) نام برده شده. از الله میپرسم کدام گفته ات درست است (درخت گندم، سیب، انگور یا درخت معرفت؟)

۳- در آیه ۳۶ از سوره دوم میگوید پس شیطان آدم را به لغزش افکند تا از آن درخت خوردند ولی در باب دوم تورات از آیه ۱ تا ۸ میگوید مار همسر آدم را فریفت. از الله میپرسم کمی بیندیش دستکم این یکی را پاسخ درست بده. (شیطان فریب داد یا مار؟)

۴- از الله میپرسم تو در قرآن میگوئی آدم و جفتش را به بهشت فرستادم ولی در تورات میگوئی باغی در عدن غرس نمودی و آدم را در آن باغ گذاشتی و نهری از عدن بیرون آوردی که چهار شعبه شد. اولی نهر فیشون دومی نهر جیحون سومی نهر حدقل و چهارم نهر فرات، آیا این باغ عدن همان بهشت موعود است و این نهرها همان نهرهای شیر و عسل؟ اگر این باغ بهشت موعود باشد که از شراب و کباب و حور و غلمان و زنان همیشه باکره در آن خبری نیست.

پاسخ چشم براهان فریب خورده را چه میدهی؟

درستی اینست که اسلام ناب محمدی نه تنها زنده های ما را با اینگونه دروغها سرگردان کرده است که مرده های ما نیز معتاد به شنیدن اینگونه دروغهای مقدس الله فرموده شده اند. شگفتا که میخوانیم ولی نمی اندیشیم خواندن چنین داستانهای دروغین و پوچ و نابخردانه تازیان و یهود چگونه میتواند برای ما باور پذیر و برای روان مردگان ما آرامش بخش باشد و یا سوگند بر ننگ و دروغ چگونه میتواند ما را پای بند بر راستی و درستی و پیمان داری نماید؟

با ارج فراوان بر همه کوشندگان راه روشنگری و آزادی که آثار گرانبها و ستودنی از خود برجای نهاده ولی گاهی استخوان لای زخم گذاشته اند. از خداوند خرد میخواهم به این ارجمندان آن توان را بد هد که در سنین بالای هشتاد سالگی از ترور اسلامی و جوانمرگ شدن نهراسند. دلیرانه تر گام در میدان نبرد فرهنگی و روشنگری بنهند و بکوشند در نوشتارهای پر ارج خود دیگر استخوان لای زخم نگذارند که مایه گمراهی بیشتر گمراهان گردد: پاینده ایران برافراشته باد درفش کاویانی سرخ و زرد و بنفش:

آله دال فک

۱۴ اردیبهشت ماه ۲۷۱۱

چهارم ماه می ۲۰۰۳